

بخشودگی جرائم بیمه‌ای

اسماعیل زاده گفت: «اجرای مکرر و مداوم قانون بخشودگی جرائم موجب افزایش پرونده‌های ارجاعی به هیأت‌های تشخیص مطالبات می‌شود. حسب قانون جرائم مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی آن در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ و به استناد تبصره «۲» قانون، به مطالبات سازمان قبل از قطعیت جریمه‌ای تعلق نخواهد گرفت. جریمه نقدی به میزان دو درصد تمام یا کسر بدوی قطعی پرداخت نشده به ازای هر ماه تأخیر است. این قانون با توجه به نرخ تورم سالانه، نرخ بهره رایج در بازار پول و سرمایه و اجرای ممتد و مکرر قانون بخشودگی جرائم، عملاً از یک ابزار تنبیهی به ابزار تشویقی برای کارفرمایان خوش حساب در فرار بیمه‌ای تبدیل شده است. مدیون با عدم پرداخت به موقع حق بیمه جهت اخذ استمهال قانونی در تأدیه دیون، حتی با فرض اطمینان از صحت محاسبات حق بیمه با اعتراض به بدوی در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، پرداخت دیون خود را در مرحله پیش از قطعیت نگه می‌دارد تا از تعلق جرائم به آن ممانعت به عمل آورد.»

او اضافه کرد: «براساس آمارها در سال ۱۴۰۱ به لحاظ تعداد، پنج درصد آرای صادره در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر تشخیص مطالبات با ارائه دادخواست از سوی کارفرمایان در دیوان عدالت اداری مطرح شده است. به عبارت دیگر از ۲۶۱ هزار رأی صادره، صرفاً حدود ۴۹۵۰ رأی (کمتر از دو درصد) برای بررسی مجدد به هیأت‌های تشخیص مطالبات مربوطه اعاده شده است. در این ارتباط نیز به همت اداره کل امور قوانین و مقرات سازمان با برگزاری نشست‌های آموزشی استانی آسیب‌های مربوط به این حوزه شناسایی و برطرف می‌شود.»

را شامل می‌شود. دو عامل اصلی قانونی و مقرراتی در میزان بدهی ارجاعی به هیأت‌های تجدیدنظر تأثیر گذارند که برای هر دو مورد پیشنهاد اصلاحی تنظیم شده است. این موارد، ماده (۱۶) آیین‌نامه هیأت‌های تشخیص مطالبات و حدنصاب اعتراض به آرای هیأت‌های بدوی را شامل می‌شود که به موجب قانون اصلاح مواد (۴۴)، (۴۳) و (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۷ حدنصاب اعتراض آرای هیأت‌های بدوی تشخیص مطالبات، به «یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال» تغییر یافته است.»

دلایل عمده اعتراض کارفرمایان

رئیس دبیرخانه هیأت‌های تشخیص مطالبات تأمین اجتماعی گفت: «عمده دلایل اعتراض کارفرمایان در چهار دسته‌بندی شامل مطالبات ناشی از بازرسی کارگاهی، مطالبات ناشی از محاسبه حق بیمه پیمان، مطالبات ناشی از بازرسی دفاتر قانونی و مطالبات ناشی از سایر موارد (ادعای سابقه، آرای هیأت‌های حل اختلاف، آرای دیوان عدالت اداری و...) احصا و به سازمان اعلام شده است. به مرور زمان از طریق اصلاح فرایندها و متمرکزسازی سامانه‌ها، برای تنقیح و تلخیص بخشنامه‌ها و شفاف‌سازی از مبدأ با برقراری ارتباط سیستمی بین سامانه‌های سایر دستگاه‌ها از جمله سازمان امور مالیاتی اقدام می‌شود.» او تأکید کرد: «یکی از اصلی‌ترین راهکارهای کاهش اختلاف بین سازمان و کارفرمایان، تنقیح بخشنامه‌ها با مشارکت همه ذی‌نفعان از جمله نمایندگان جوامع کارفرمایی است. این امر تأثیر بسزایی در کاهش پرونده‌های ارجاعی به هیأت‌های تشخیص مطالبات دارد و تداوم آن در حال حاضر در دستور کار سازمان است.»

هیأت‌های تشخیص مطالبات رسیدگی می‌شود. مهم‌ترین اصل شکل‌گیری این چالش عدم اظهار واقعی دستمزد در طول دوران بیمه‌پردازی است که از تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی استخراج می‌شود. در ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی آمده است: «میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک‌سوی و پنجم متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از صدرصد متوسط مزد یا حقوق تجاوز نکند.» همچنین تبصره متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده که براساس آن حق بیمه پرداخت شده ظرف آخرین دو سال پرداخت تقسیم بر بیست و چهار.» او توضیح داد: «این تبصره به صورت کاملاً تشویقی کارفرما و بیمه‌شده را در فرار بیمه‌ای دستمزدی ظرف سنوات بیمه‌پردازی قبل ۲۴ ماه آخر ذی‌نفع قرار می‌دهد. از سوی دیگر سازمان را با مواد (۳۹) و (۴۷) بر آن داشته که در این فاصله زمانی با انواع و اقسام بازرسی‌ها و نظارت‌ها برای جلوگیری از این فرار بیمه‌ای اقدام کند. این موضوع به یکی از محل‌های اصلی تعارض بیمه‌شده، کارفرما و سازمان تبدیل شده است.»

میزان اعتراض به محاسبات بیمه‌ای

اسماعیل زاده در مورد مشکلات کارفرمایان چنین توضیح داد: «به طور میانگین حدود ۱۷ درصد کارفرمایان در وهله اول به محاسبات سازمان اعتراض می‌کنند. ۵۶ درصد آن در هیأت‌های بدوی براساس آرای صادره حل و فصل شده و از این تعداد ۳۵ درصد با اعتراض کارفرما، به هیأت‌های تجدیدنظر ارجاع می‌شود. این رقم به لحاظ آماری ۰٫۶ درصد از مجموع کارفرمایان

